

بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی

حسین اسکندری^۱

حمید درودی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۵

پژوهش حاضر که از انواع کمی و توصیفی به شمار می‌رود، رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و میزان استفاده از آنها را از یک سو، با تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق، از سوی دیگر مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه جوانان متأهل استان خراسان شمالی تشکیل می‌دادند که سن آنها در دامنه بین ۱۵ تا ۲۹ سال قرار داشت. به دلیل نامشخص بودن حجم جامعه، تعداد افراد گروه نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان ۳۸۲ نفر در نظر گرفته شد. جهت اطمینان، ۴۲۲ پرسشنامه به شرکت‌کنندگان ارائه شد که ۲۲ مورد آن به علت مخدوش بودن کنار گذاشته شد. با توجه به وسیع بودن حجم جامعه و نامشخص بودن آمار دقیق افراد، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی ثنایی، گرایش به طلاق رزولت و همکاران، مقیاس اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی برگن و یک پرسشنامه محقق ساخته درباره میزان و ابعاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اسپس اس اس، از روش‌های آماراستنباطی آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون همبستگی اسپیرمن و آزمون کروسکال والیس استفاده شد. تحلیل سئوالات پژوهش نشان داد که با افزایش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حسب ساعت، تعارضات زناشویی ($p < 0/0001$ و $r = 0/24$)، ($p < 0/0001$ و $z = 32/78$) و گرایش به طلاق ($p < 0/0001$ و $r = 0/31$)، ($p < 0/0001$ و $z = 23/17$) افزایش می‌یابد. نتیجه کلی این پژوهش حاکی از آن است که هرچه میزان وابستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، کیفیت روابط زن و شوهر به‌طور معناداری پایین‌تر است. این رابطه معکوس و معنادار در همه ابعاد

E-mail: eskandari3@yahoo.com

^۱ استادیار، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

تعارضات زناشویی شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباطات موثر نیز وجود دارد. پیشنهاد می‌شود که با افزایش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، نهادهای مسئول، برنامه‌هایی را برای ارتقای سواد رسانه‌ای و آگاهی بخشی نسبت به آسیب‌های بالقوه این شبکه‌ها طراحی و اجرا کنند.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق

مقدمه

جامعه ایران مانند بسیاری از جوامع ارزشی، در دوران گذار از سنت به مدرنیته، در رویارویی با فرایند جهانی شدن و با ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات، با چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی نوپدیدي مواجه است. بخشی از این چالش‌ها و آسیب‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به ظهور و توسعه رسانه‌های نوین باز می‌گردد. اگر آنچه مک لوهان در کتاب "شناخت رسانه‌ها"^۱ (۱۹۶۴) بیان کرده است حاوی حقایقی باشد، لازم است که به‌طور جدی درباره نقش محوری رسانه‌ها در تغییرات و تحولات اجتماعی، فرهنگی و ارزشی تأمل بیشتری داشته باشیم. به اعتقاد او جوامع بشری تحت تأثیر ماهیت رسانه‌هایی هستند که در آن جوامع غالب است. بنا به نظریه ارتباطات، رسانه‌ها (اعم از چاپی، دیجیتالی، اینترنتی، ماهواره‌ای) عمیقاً نظام ارزشی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یافته‌های پژوهشی بسیاری موید این است که بین کمیت و کیفیت استفاده از یک رسانه و تغییرات ارزشی مخاطبان ارتباط معناداری برقرار است. از این دست پژوهش‌ها می‌توان به مطالعه مشهور و قدیمی‌تر رفیع‌پور (۱۳۷۵) درباره گسترش ویدئو در دهه ۷۰ شمسی و پیامدهای آن از جمله کاهش گرایش‌ها و پایبندی‌های مذهبی اشاره کرد. در یک نمونه جدیدتر، اسکندری و کاظمی (۱۳۹۳) در قالب یک پژوهش استانی نشان دادند که بین جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان با میزان استفاده آنها از رسانه‌ها رابطه معنادار قوی برقرار است.

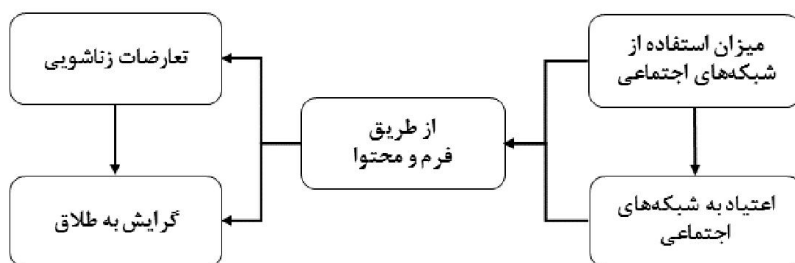
در مورد تأثیرات فناوری به‌طور عام و رسانه به‌طور ویژه، دو دیدگاه کلان وجود دارد: نخست آنکه فناوری به لحاظ فرهنگی - ارزشی، خنثی است و به مثابه یک ابزار توسط انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ دوم اینکه فناوری، خنثی نیست و در دل خود فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌هایی را نهفته دارد (زیمنس و تیتنبرگر^۲، ۲۰۰۹ ص ۴۳). در دیدگاه نخست، اقتدار آدمی بر فناوری مورد تأکید قرار گرفته است و فناوری را ابزاری بیش نمی‌داند که صرفاً با هدف‌های خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما در دیدگاه دوم، نقش فناوری قوی‌تر است. در این دیدگاه، فناوری‌ها - که رسانه‌ها نیز در زمره آنها به‌شمار می‌روند - از دو طریق شکل (فرم) و محتوا بر مخاطب اثر می‌گذارند. تأثیر از طریق محتوا تا حد زیادی روشن و قابل درک است، اما تأثیر از طریق شکل (فرم) بدین معناست که فناوری‌ها از هر نوعی که باشند، خنثی نیستند و صرف نظر از محتوایی که منتقل

^۱ Understanding Media

^۲ Tittenberger

می‌کنند و مستقل از آن، اثراتی را به‌جا می‌گذارند. خشی نبودن رسانه و تأثیر قالب رسانه بر هویت کاربران آن، یکی از دستاوردهای مهم مارشال مک‌لوهان است. به نظر مک‌لوهان، رسانه پیام است (۱۹۶۷) و مهم‌ترین اثر رسانه این است که بر عاداتِ درک و تفکر ما اثر می‌گذارد. از این رو، آثار پراهمیت رسانه‌ها، از شکل آنها ناشی می‌شود، نه از محتوای آنها (سورین و تانکارد، ترجمه دهقان، ۱۳۸۸).

از بین انواع مختلف فناوری‌ها و رسانه‌ها در دو دهه اخیر، ماهواره و فضای مجازی، بیش از دیگران در معرض اتهام برای تغییرات، تحولات و انحرافات اجتماعی بوده‌اند. به دلیل ضعف سواد رسانه‌ای در کشور، جامعه و خانواده ایرانی، به شکل مضاعفی در معرض آسیب‌های نوپدید حاصل از این رسانه‌ها قرار گرفته است (تقی‌زاده، ۱۳۹۱). خانواده ایرانی، از جمله مهم‌ترین کانون‌هایی است که فضای مجازی، ساختار سنتی آن را تغییر داده است. تغییر در نظام ارزشی حاکم بر جامعه و به تبع آن خانواده‌های ایرانی بعد از پایان جنگ تحمیلی و به موازات گسترش رسانه‌هایی مانند ویدئوهای خانگی به تدریج آغاز (رفیع‌پور، ۱۳۷۵) و در دهه هشتاد و نود، به‌ویژه همزمان با ورود و گسترش فناوری‌هایی نوینی چون ماهواره و اینترنت بر شدت آن افزوده شد (اسکندری و کاظمی، ۱۳۹۳). به‌طور کلی، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این فرض استوار است که اینترنت، فضای مجازی، شبکه‌ها یا رسانه‌های اجتماعی و یا هر نامی از این دست، از جمله فناوری‌های نوینی هستند که به صورت شکلی و محتوایی بر فرد، خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارند. به‌طور خاص، پژوهش حاضر تأثیر شبکه‌های اجتماعی را بر کیفیت روابط زوج‌های جوان (تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق) در مرکز توجه قرار داده است.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

همان‌طور که با تفصیل بیشتر خواهیم دید، پیرامون تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر روابط زناشویی نیز پژوهش‌هایی به انجام رسیده است که حاکی از تأثیرات مثبت و منفی است. برای نمونه، جوینسون^۱ (۲۰۰۸) نشان داد که شبکه‌های اجتماعی چگونه می‌تواند بر روابط عاطفی زوجین تأثیر مثبت داشته باشد. بنا به یافته‌های پژوهشی بلو^۲ (۲۰۱۳) "اینترنت نرخ ازدواج در بین افراد ۲۱ تا ۳۰ سال را افزایش داده است. این امر به افزایش ارتباطات از طریق اینترنت، آشنایی سریع‌تر آنها با یکدیگر و قرار ملاقات‌های ساده‌تر مربوط می‌شود- اگرچه ممکن است اینترنت به طلاق هم انجامیده باشد، در عین حال ازدواج مجدد افراد جداشده را نیز تسهیل می‌کند".

با وجود گزارش‌های مثبت فوق، عمده تحقیقاتی که درباره تأثیرات شبکه‌ها یا رسانه‌های اجتماعی و حتی رسانه‌ها به معنای کلی آن- شامل تلویزیون، بازی‌های رایانه‌ای و ویدیویی و مانند آن- به انجام رسیده است، حاکی از توان بالقوه این رسانه‌ها در آسیب‌رسانی به نهاد خانواده به‌طور کلی و کیفیت روابط زوجین به‌طور خاص می‌باشد. از این میان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بایم و همکاران^۳ (۲۰۰۷)، ویتی^۴، کیوگلی^۵ (۲۰۰۸)، روجویی^۶ (۲۰۱۲)، شارلوسکا^۷ (۲۰۱۲)، فاروجیا^۸ (۲۰۱۳)، بلو (۲۰۱۳)، کلایتون^۹، ناگارونی^{۱۰} و اسمیت^{۱۱} (۲۰۱۳)، لنهارت^{۱۲}، دوگان^{۱۳} و اسمیت^{۱۴} (۲۰۱۴)، کلایتون (۲۰۱۴)، والنزوتلا^{۱۵}، هالپرن^{۱۶} و کتز^{۱۷} (۲۰۱۴)، دیو^{۱۸} و تولان^{۱۹} (۲۰۱۵) و صالح^{۲۰} و مختار^{۲۱} (۲۰۱۵).

¹ Joinson

² Bellou, A.

³ Baym, N. K., Zhang, Y. B., Kunkel, A., Ledbetter, A., & Lin, M. C.

⁴ Whitty, M. T.

⁵ Quigley, L.

⁶ Rujoiu, M.

⁷ Sharalevska, I.

⁸ Farrugia, Rianne C.

⁹ Clayton, MA.

¹⁰ Nagurney A.

¹¹ Smith J.

¹² Lanhart A.

¹³ Duggan, M.

¹⁴ Smith, A.

¹⁵ Valenzuela, S.

¹⁶ Halpern, D.

¹⁷ Katz, J. E.

¹⁸ Dew, J.

¹⁹ Tulane, S.

²⁰ Saleh

²¹ Mukhtar

پژوهش حاضر در میان این دو دیدگاه به دنبال بررسی فرضیات زیر است:

- ۱) بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی رابطه معناداری دارد؛
- ۲) بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با میزان گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد؛
- ۳) بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میزان گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد؛
- ۴) بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میزان تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارد؛
- ۵) بین میزان گرایش به طلاق با میزان تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارد.

پیشینه پژوهش

از میان تحقیقات مورد اشاره، کلایتون، ناگورنی و اسمیت (۲۰۱۳) نشان دادند که استفاده مفرط از این فضاها می‌تواند آسیب‌های جدی به روابط زناشویی بویژه روابط عاطفی زوج وارد نماید. به عنوان نمونه، چندین مطالعه آشکار ساخته که استفاده از فیس‌بوک از طریق کاهش زمان مراقبت و صمیمیت، افزایش ابهام در روابط فرازناشویی، تحریک حسادت، استفاده تکانشی و وسواسی از اینترنت و رد و بدل کردن تصاویر و پیام‌های عاشقانه خارج از عرف زناشویی می‌تواند صمیمیت عاطفی را خدشه‌دار کند (یوتز^۱ و بئوکبوم^۲، ۲۰۱۱؛ پاپ^۳، دانیلویچ^۴ و سایمبرگ^۵، ۲۰۱۲) همین مشکلات در خصوص استفاده از رسانه‌هایی مانند تویتر نیز گزارش شده است (کلایتون، ۲۰۱۴).

والنزوتلا، هالپرن و کتز (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان "شبکه‌های اجتماعی، کیفیت ازدواج و طلاق: پژوهش میدانی و شواهد ایالتی از ایالات متحده" به انجام رساندند. نتایج نشان می‌دهد که کاربرد شبکه‌های اجتماعی با کیفیت ازدواج و خوشبختی، ارتباط منفی و با تجربه یک رابطه مشکل‌دار و فکر درباره طلاق، ارتباط مثبت دارد. در پژوهش دیگری که در آمریکا توسط کلایتون و همکاران (۲۰۱۳) با هدف بررسی اثرات استفاده از فیس‌بوک بر روابط عاطفی و بر روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۸ نفر از کاربران ۱۸ تا ۸۲ ساله انجام گرفت، نتایج بیانگر وجود ارتباط بین استفاده مفرط از فیس‌بوک و پیامدهای منفی ارتباطی بود. نویسندگان بر اثرات نامطلوب این رسانه بر افزایش نرخ طلاق و عوارض عاطفی نامطلوب آن تاکید نمودند. کلایتون (۲۰۱۴) در پژوهشی

¹ Utz S.

² Beukeboom C. J.

³ Papp LM.

⁴ Danielewicz J.

⁵ Cayemberg C.

دیگر پیرامون اثرات استفاده از تویتر بر روابط زوجی، خیانت زناشویی و طلاق به این نتیجه رسید که بین استفاده از این رسانه و احتمال گسست در روابط عاطفی و تشدید احتمال خیانت در روابط زناشویی رابطه وجود دارد.

تحقیقات نشان داده است که هرچه سال‌های سپری شده از ازدواج کمتر باشد یا به عبارتی زوجین جوان باشند، اثرات منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر است. برای نمونه، کلاپتون، ناگارونی و اسمیت (۲۰۱۳) نشان دادند که استفاده در سطح بالا از فیس‌بوک بویژه در بین کسانی که سه سال یا کمتر از روابط آنها نگذشته است، با روابط منفی بین زوجین در ارتباط مستقیم قرار دارد. همچنین، روجویی (۲۰۱۲) در رساله دکتری خود با عنوان "تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش زوجین نسبت به تعارض زناشویی (در رومانی)" نشان داد که شبکه‌های اجتماعی، منبعی برای فشار اجتماعی بر زوج‌های جوان است؛ هم در انتقال ارزش‌ها و هم در تحمیل ارزش‌ها، در اصول زندگی، الگوهای رفتاری و تغییر رفتارها و نگرش‌هایی که نامطلوب هستند. به‌طور کلی لنه‌ارت، دوگان و اسمیت (۲۰۱۴) نشان دادند که نگاه و الگوی استفاده از فناوری در زوجینی که مدت طولانی‌تری با هم هستند (حدود ۱۰ سال و بالاتر) متفاوت از زوجین جوانتر است. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، جوانان و آنها که مدت کمتری از تاریخ ازدواجشان گذشته است، بیشتر تحت تأثیر فناوری (مثبت یا منفی) قرار می‌گیرند.

از دیگر تحقیقات ملی که ۱۳۶۸ زوج آمریکایی را مورد مطالعه قرار داده، رابطه بین استفاده از رسانه‌های سرگرم‌کننده، از یک سو و رضایت، تعارض و ادراک بی‌ثباتی ازدواج^۱ از سوی دیگر سنجیده شده است. این گزارش نشان داد که بازی‌های ویدیویی زنان- از طریق موبایل، رایانه یا . . . به صورت آنلاین یا آفلاین- به‌طور مثبت با گزارش تعارضات زناشویی آنان و ادراک بی‌ثباتی ازدواج آنان رابطه دارد. در حالی که استفاده شوهران از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور مثبت با تعارضات زناشویی آنان و به‌طور منفی با رضایت زنان آنها رابطه دارد. به عبارت دیگر، هر اندازه زنان بیشتر اهل بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی باشند، تعارضات زناشویی آنها و ادراک آنها از بی‌ثباتی زناشویی بیشتر است و هرچه مردان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر استفاده کنند، تعارضات زناشویی و نارضایتی بیشتر همسرانشان را به همراه دارد (دیو و تولان، ۲۰۱۵: ص ۶۲۸).

^۱ perceived marital instability

از دیگر یافته‌های مربوط به روابط زوجین و شبکه‌های اجتماعی اینکه میزان استفاده زنان از شبکه‌های اجتماعی به‌طور معناداری بیش از مردان است (صالح و مختار، ۲۰۱۵: ص ۵۸)، اما استفاده مردان از این شبکه‌ها، نارضایتی و تعارض بیشتری به دنبال دارد- این امر تاحدی می‌تواند به نرم‌های اجتماعی باز گردد. زنان معمولاً روابط گسترده‌تری با دوستان، خانواده و اطرافیان برقرار می‌کنند و این امر از سوی جامعه به عنوان یک ویژگی جنسیتی زنانه پذیرفته شده است، در حالی که در مورد مردان اینگونه نیست. از این رو، صرف زمان در شبکه‌های اجتماعی از سوی مردان، حساسیت بیشتری را در زنان برمی‌انگیزد. تبیین دیگر اینکه مردانی که در شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذارند ممکن است از روابط درون خانه رضایت چندانی نداشته باشند و به دنبال روابط مثبت دیگری در شبکه‌ها باشند (حتی روابط رومانتیک با جنس مخالف)- امری که می‌تواند با درک بی‌ثباتی ازدواج رابطه مثبت داشته باشد (دیو و تولان، ۲۰۱۵). به قول والنزولا، هالپرن و کتز (۲۰۱۴: ص ۱۰۰) هرچند ممکن است عجیب به نظر برسد که یک پروفایل فیس‌بوک که عامل نسبتاً کوچکی در مقایسه با سایر محرک‌های رفتارهای انسانی است، می‌تواند رابطه معناداری از نظر آماری با نرخ طلاق و رضایت‌مندی از ازدواج داشته باشد، ولی گویا حقیقت دارد. مطالعات مختلفی در آمریکا و دیگر نقاط جهان (مثلاً صالح و مختار، ۲۰۱۵، در نیجریه) با هدف بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر روابط زوجین به انجام رسیده است. طرح پژوهشی پیش‌رو به دنبال بررسی میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی (اعتیاد به آن) و میزان استفاده از آن بر حسب ساعت (کمیت استفاده) از یک سو و ارتباط آن با گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی، از سوی دیگر در بین زوج‌های ایرانی است. در جامعه ایران که طلاق یکی از چالش‌های پیش‌روی آن است، گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی می‌تواند به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی افزایش طلاق و طلاق عاطفی در بین زوج‌های جوان در نظر گرفته شود.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است و از حیث هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری عبارت بود از کلیه جوانان متأهل استان خراسان شمالی که براساس جدول کرجسی و مورگان، انتخاب ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه کافی است. با وجود این، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و جهت اطمینان بیشتر ۴۲۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از

سه پرسشنامه اصلی تعارض زناشویی ثنایی (۱۳۷۹)، پرسشنامه گرایش به طلاق رزولت و همکاران (۱۹۸۶) و پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی برگن استفاده شد.

● **پرسشنامه تعارضات زناشویی:** یک ابزار ۵۴ سوالی است که برای سنجیدن تعارض های زن و شوهری بر مبنای تجربیات بالینی ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر. بنا به پژوهشی که ثنایی (۱۳۷۹) درباره این پرسشنامه انجام داده است، آلفای کرونباخ پرسشنامه تعارضات زناشویی روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای ۸ خرده مقیاس آن از این قرار بود: کاهش همکاری، ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند، ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۶؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر، ۰/۷۱ و کاهش ارتباط موثر، ۰/۶۹. پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. ثنایی (۱۳۷۹) در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب تمام سوالات، هیچ سوالی را حذف نکرده است. همچنین، نتایج اعتباریابی پرسشنامه تعارضات زناشویی در پژوهش حاضر با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی اسپیرمن- براون محاسبه گردید که بر این مبنای ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ و ضریب دونیمه کردن آن برابر با ۰/۸۱ محاسبه شد که بیانگر اعتبار مناسب پرسشنامه در پژوهش حاضر است. همچنین، بررسی ضرایب آلفای ابعاد تعارضات زناشویی بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ محاسبه گردیده که بیانگر اعتبار نسبی این پرسشنامه است.

● **پرسشنامه گرایش به طلاق:** اولین بار توسط روزولت و همکاران (۱۹۸۶) طراحی گردید. این مقیاس یک ابزار ۲۸ سوالی برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق می‌باشد. ابعاد پرسشنامه شامل ۴ بعد است که هر بعد ۷ سوال را در بر می‌گیرد. ابعاد پرسشنامه عبارت اند از: ۱- بعد تمایل به خروج از رابطه ۲- بعد ابزار ۳- بعد وفاداری ۴- بعد مسامحه. ضریب آلفای کرونباخ برای ابعاد چهارگانه پرسشنامه گرایش به طلاق، بین ۰/۶۳

تا ۰/۹۱ محاسبه گردیده است. در پژوهش داودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۹۰) ضریب اعتبار این ابزار برابر با ۰/۸۸ محاسبه شده است. روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) در تحلیل آماری این پرسشنامه ضریب آلفای برای، بعد خارج شدن (متمايل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز احساسات (۰/۷۶)، وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) گزارش کردند (روزولت و بونک، ۱۹۹۳). این پرسشنامه توسط داودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شد و بر روی ۴۰ زوج به اجرا درآمد که پایایی آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۸ (۰/۸۹ برای زنان و ۰/۸۷ برای مردان) به دست آمد و میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹، ابراز احساسات ۰/۹۰، وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ بود. همچنین، بررسی اعتبار پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ و با استفاده از روش دو نیمه سازی برابر با ۰/۷۸ محاسبه شده است.

● پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی: با اصلاحات اندکی از مقیاس سنجش اعتیاد به فیسبوک برگن (BFAS)^۱ اخذ شد و مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه ۶ سوالی توسط اندرسون^۲ (۲۰۱۲) ساخته شده و دارای پایایی ۰/۸۲ است. این پرسشنامه، میزان وابستگی افراد را به شبکه‌های اجتماعی مورد سنجش قرار می‌دهد. بنابراین، بر اساس این پرسشنامه، شدت وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مشخص می‌شود، نه میزان استفاده از شبکه‌ها. از این رو، در قسمت اطلاعات دموگرافیک، میزان ساعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حسب ساعت نیز مورد سوال قرار گرفت.

جدول ۱: بررسی اعتبار پرسشنامه تعارضات زناشویی و مولفه‌های آن در پژوهش حاضر

مؤلفه	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب دو نیمه سازی اسپیرمن - براون
تعارضات زناشویی	۰/۸۸	۰/۸۱
کاهش همکاری	۰/۷۲	۰/۶۹
کاهش رابطه جنسی	۰/۷۸	۰/۷۴
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۰/۷۲	۰/۷۶
کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان	۰/۶۹	۰/۷۰
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۰/۷۳	۰/۸۷

^۱ BFAS: Bergen facebook addiction scale

^۲ Andreassen, Cecilie,S

۰/۷۰	۰/۷۵	کاهش ارتباطات موثر
------	------	--------------------

همانگونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد ضرایب اعتبار محاسبه شده برای پرسشنامه تعارضات زناشویی و مولفه‌های آن در پژوهش حاضر با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و روش دونیمه سازی اسپیرمن - براون بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۸ محاسبه شده است که بیانگر اعتبار متوسط این پرسشنامه می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

توصیف و توزیع متغیرها

قبل از انجام ادامه تحلیل آماری، داده‌ها از نظر وجود مقادیر پرت ناشی از ورود اشتباه داده به نرم‌افزار بررسی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام شد. سپس پرسشنامه‌ها از نظر وجود داده مفقود مورد بررسی قرار گرفت و مواردی که به بیش از ۱۰ درصد سؤالات پاسخ نداده بودند، از تحلیل کنار گذاشته شدند. داده‌های مفقود در پرسشنامه‌های با کمتر از این مقدار - ۱۰ درصد- به وسیله میانگین هر متغیر جایگزین شد. همچنین، پرسشنامه پاسخگویانی که به صورت یکنواخت به همه سؤالات پاسخ داده بودند (پرسشنامه‌های دارای انحراف استاندارد کمتر از ۰/۵) نیز شناسایی و حذف گردید. نتایج نشان داد که از میان ۴۰۰ نفر، ۶۷ نفر (۱۷ درصد) حدود نیم ساعت، ۵۹ نفر (۱۴/۸ درصد) حدود یک ساعت، ۷۰ نفر (۱۷/۵ درصد) بین یک تا دو ساعت، ۴۲ نفر (۱۰/۵ درصد) بین دو تا سه ساعت و ۴۵ نفر (۱۱/۳ درصد) بیش از سه ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند. همچنین، ۱۱۶ نفر (۲۹ درصد) الگوی منظمی در استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی ندارند و به صورت متغیر از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. از آنجا که شرط استفاده از آزمون‌های پارامتری، نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشد، جهت بررسی نرمال بودن توزیع این متغیرها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید که بر اساس سطوح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، توزیع تمامی متغیرهای پژوهشی غیرنرمال محسوب می‌گردد. بنابراین جهت تحلیل سوال‌های پژوهشی پیرامون رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق باید از آزمون‌های ناپارامتری استفاده نمود.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی رابطه معناداری دارد.

با توجه به اینکه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی به صورت طبقه ای تعریف شده، در جدول زیر به بررسی تفاوت میزان اعتیاد به شبکه های اجتماعی برحسب میزان استفاده از این شبکه ها پرداخته می شود. همچنین با توجه به اینکه توزیع متغیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی در همه طبقات استفاده از این شبکه ها نرمال نمی باشد، برای بررسی این فرضیه از آزمون کروسکال والیس استفاده می گردد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است:

جدول ۲: مقایسه اعتیاد به شبکه های اجتماعی برحسب میزان استفاده از این شبکه ها

متغیر	میزان استفاده	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه ها	آماره کروسکال والیس	سطح معناداری
اعتیاد به شبکه های اجتماعی	حدود نیم ساعت	۹/۰۹	۳/۰۸	۷۲/۲۹	۸۸/۷۵	۰/۰۰۰۰۱
	حدود یک ساعت	۱۲/۸۲	۴/۴۵	۱۳۸/۵۷		
	بین یک تا دو ساعت	۱۳/۳۱	۴/۲۴	۱۴۶/۵۵		
	بین دو تا سه ساعت	۱۶/۱۷	۴/۴۸	۱۹۰/۹۰		
	بیش از سه ساعت	۱۷/۸۶	۵/۹۸	۲۰۲/۲۷		

همان گونه که نتایج جدول ۲ نشان می دهد میانگین و انحراف استاندارد نمرات اعتیاد به شبکه های اجتماعی در افرادی که حدود نیم ساعت از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند، برابر با $۳/۰۸ \pm ۹/۰۹$ می باشد. همین مقادیر در افرادی که حدود یک ساعت از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند، برابر با $۴/۴۵ \pm ۱۲/۸۲$ گزارش شده است. به علاوه، میانگین و انحراف استاندارد نمرات اعتیاد به شبکه های اجتماعی در افرادی که بین یک تا دو ساعت از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند، برابر با $۴/۲۴ \pm ۱۳/۳۱$ می باشد و در افرادی که حدود بین دو تا سه ساعت از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند برابر با $۴/۴۸ \pm ۱۶/۱۷$ گزارش شده است. در نهایت، میانگین و انحراف استاندارد نمرات اعتیاد به شبکه های اجتماعی در افرادی که بیش از سه ساعت از شبکه های اجتماعی استفاده می نمایند، برابر با $۵/۹۸ \pm ۱۷/۸۶$ می باشد. سطح معناداری آزمون کروسکال والیس بیانگر آن است که اختلاف معناداری در میزان اعتیاد به شبکه های اجتماعی برحسب میزان استفاده از شبکه های اجتماعی وجود دارد ($p < ۰/۰۰۰۰۱$ و $Z = ۸۸/۷۵$)؛ بدین معنا که با بالا رفتن میزان استفاده زوج های جوان از شبکه های اجتماعی، نمرات اعتیاد به شبکه های اجتماعی افزایش می یابد.

فرضیه ۲: بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی با میزان گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد.

از آنجا که توزیع نمرات گرایش به طلاق نرمال نمی‌باشد، لذا جهت مقایسه این نمرات برحسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، از آزمون کروسکال والیس استفاده می‌گردد. همان‌گونه که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین و انحراف استاندارد نمرات گرایش به طلاق در افرادی که حدود نیم ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $10/35 \pm 33/53$ می‌باشد. همین مقادیر در افرادی که حدود یک ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $12/64 \pm 38/70$ گزارش شده است. به علاوه، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گرایش به طلاق در افرادی که بین یک تا دو ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $9/30 \pm 34/39$ می‌باشد و همین مقادیر در افرادی که حدود بین دو تا سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $12/59 \pm 41/28$ گزارش شده است. در نهایت، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گرایش به طلاق در افرادی که بیش از سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $12/44 \pm 41/32$ می‌باشد. سطح معناداری آزمون کروسکال والیس بیانگر آن است که اختلاف معناداری در میزان گرایش به طلاق برحسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی وجود دارد ($p < 0/0001$ و $Z = 23/17$)؛ بدین معنا که در جامعه مورد پژوهش، با بالا رفتن میزان استفاده زوج‌های جوان از شبکه‌های اجتماعی، نمرات گرایش به طلاق آنها نیز افزایش می‌یابد. این افزایش در بین افرادی که دو تا سه ساعت و یا بیش از سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، بیش از گروه‌های دیگر است.

جدول ۳: مقایسه نمرات گرایش به طلاق برحسب میزان استفاده از شبکه اجتماعی

متغیر	میزان استفاده	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین رتبه‌ها	آماره کروسکال والیس	سطح معناداری
گرایش به طلاق	حدود نیم ساعت	۳۳/۵۳	۱۰/۳۵	۱۱۱/۸۲	۲۳/۱۷	۰/۰۰۰۱
	حدود یک ساعت	۳۸/۷۰	۱۲/۶۴	۱۵۳/۲۵		
	بین یک تا دو ساعت	۳۴/۳۹	۹/۳۰	۱۲۴/۱۶		
	بین دو تا سه ساعت	۴۱/۲۸	۱۲/۵۹	۱۷۱/۳۵		
	بیش از سه ساعت	۴۱/۳۲	۱۲/۴۴	۱۷۱/۸۴		

فرضیه ۳: بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میزان گرایش به طلاق رابطه معناداری دارد. با توجه به اینکه توزیع نمرات اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق نرمال نمی‌باشد، جهت بررسی این سؤال از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد. همان‌گونه که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین اعتیاد

به شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق ارتباط آماری مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/31$ و $p<0/0001$)؛ بدین معنا که در جامعه آماری مورد پژوهش، با بالا رفتن نمره اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در بین زوج‌های جوان، نمرات گرایش به طلاق آنها نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۴: رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	
0/0001	0/31	گرایش به طلاق

فرضیه ۴: بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میزان تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارد. با توجه به اینکه توزیع نمرات اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، تعارضات زناشویی و ابعاد آن نرمال نمی‌باشد، جهت بررسی این سؤال از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد. همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و تعارضات زناشویی ارتباط آماری مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/24$ و $p<0/0001$)؛ بدین معنا که با بالا رفتن نمره اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، نمرات تعارضات زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، مبتنی بر همین نتایج ارتباط آماری معناداری بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با ابعاد کاهش همکاری ($r=0/22$ و $p<0/0001$)، کاهش رابطه جنسی ($r=0/21$ و $p<0/0001$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($r=0/12$ و $p<0/01$)، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان ($r=0/21$ و $p<0/0001$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($r=0/22$ و $p<0/0001$) و کاهش ارتباطات موثر ($r=0/13$ و $p<0/0001$) وجود دارد؛ این بدان معناست که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش همه ابعاد تعارضات زناشویی می‌گردد. از آنجا که توزیع نمرات تعارضات زناشویی و ابعاد آن نرمال نمی‌باشد، از آزمون کروسکال والیس برای مقایسه نمرات تعارضات زناشویی و ابعاد آن برحسب میزان استفاده از شبکه اجتماعی استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد نمرات تعارضات زناشویی در افرادی که حدود نیم ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $21/78 \pm 103/80$ می‌باشد. همین مقادیر در افرادی که حدود یک ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $19/28 \pm 105/45$ گزارش شده است. به علاوه، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گرایش به طلاق در افرادی که بین یک تا دو ساعت از

شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $15/86 \pm 104/01$ می‌باشد و همین مقادیر در افرادی که حدود بین دو تا سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $22/23 \pm 115/03$ گزارش شده است. در نهایت، میانگین و انحراف استاندارد نمرات گرایش به طلاق در افرادی که بیش از سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، برابر با $26/03 \pm 124/77$ می‌باشد. سطح معناداری آزمون کروسکال والیس بیانگر آن است که اختلاف معناداری در میزان تعارضات زناشویی برحسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی وجود دارد ($p < 0/0001$ و $Z = 32/78$)؛ بدین معنا که با بالا رفتن میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین زوج‌های جوان، نمرات تعارضات زناشویی در بین آنها، افزایش می‌یابد- بدین صورت که میانه رتبه‌های تعارضات زناشویی افرادی که دو تا سه ساعت و یا بیش از سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، بالاتر از سایر گروه‌هاست. همچنین، بر مبنای سطح معناداری آزمون کروسکال والیس اختلاف آماری معناداری در میزان بعد کاهش همکاری ($p < 0/0001$ و $Z = 44/60$)، کاهش روابط جنسی ($p < 0/001$ و $Z = 20/18$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($p < 0/001$ و $Z = 17/80$)، کاهش رابطه با خویشاوندان همسر ($p < 0/005$) و جدایی در امور مالی ($p < 0/0001$ و $Z = 23/09$) و کاهش ارتباطات موثر ($p < 0/001$ و $Z = 19/40$) بر حسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی وجود دارد؛ بدین صورت که در جامعه پژوهشی مورد نظر، میانه رتبه‌های این ابعاد در افرادی که دو تا سه ساعت و یا بیش از سه ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌نمایند، بالاتر از سایر گروه‌ها می‌باشد.

جدول 5: رابطه بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و تعارضات زناشویی

اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	
0/0001	0/24	تعارضات زناشویی
0/0001	0/22	کاهش همکاری
0/0001	0/21	کاهش رابطه جنسی
0/01	0/12	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود
0/0001	0/21	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان
0/0001	0/22	جدا کردن امور مالی از یکدیگر
0/007	0/13	کاهش ارتباطات موثر

فرضیه ۵: بین میزان گرایش به طلاق با میزان تعارضات زناشویی رابطه معناداری دارد.

با توجه به اینکه توزیع نمرات استعداد طلاق، تعارضات زناشویی و ابعاد آن نرمال نمی‌باشد، جهت بررسی این سؤال از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می‌گردد.

جدول ۶: رابطه بین استعداد طلاق و تعارضات زناشویی

استعداد طلاق		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	
۰/۰۰۰۱	۰/۵۵	تعارضات زناشویی
۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	کاهش همکاری
۰/۰۰۰۱	۰/۴۰	کاهش رابطه جنسی
۰/۰۱	۰/۳۶	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود
۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان
۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	جدا کردن امور مالی از یکدیگر
۰/۰۰۷	۰/۳۷	کاهش ارتباطات موثر

همان‌گونه که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین استعداد طلاق و تعارضات زناشویی، ارتباط آماری مثبت و معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۵۵$)؛ بدین معنا که با بالا رفتن نمره استعداد طلاق، نمرات تعارضات زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، براساس همین نتایج ارتباط آماری معناداری بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با ابعاد کاهش همکاری ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۴۷$)، کاهش رابطه جنسی ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۴۰$)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ($p < ۰/۰۱$ و $r = ۰/۳۶$)، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۴۲$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۳۲$) و کاهش ارتباطات موثر ($p < ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۳۷$) وجود دارد؛ این بدان معناست که استعداد طلاق موجب افزایش همه ابعاد تعارضات زناشویی می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از فرض‌های بنیادین پژوهش حاضر این است که صرف نظر از محتوا، استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تأثیراتی را بر کاربر به همراه داشته باشد. به بیان دیگر، حتی اگر از نوع و کیفیت استفاده از فناوری شبکه‌های اجتماعی صرف نظر شود، صرف استفاده کمی (وابستگی و میزان استفاده از این شبکه‌ها) نیز می‌تواند اثرات نامطلوبی در پی داشته باشد. با توجه به چارچوب نظری که در مقدمه آورده شد، این یافته‌ها مؤید دیدگاه

نظریه پردازانی چون: مکلوهان (۱۹۶۷)، کروکر^۱، (۱۹۹۲)، پستمن^۲ (۱۹۹۳)، دلوز^۳، گوتاری^۴ و ماسومی^۵ (۱۹۸۷)، چندلر^۶ (۱۹۹۶) و ولگار^۷ (۱۹۹۶) است؛ دیدگاهی که معتقد است فناوری‌ها و رسانه‌ها قائم به ذات خود بدون آنکه به مطلوبیت محتوایی آنها توجه شود، می‌توانند بر مخاطب تأثیر داشته باشند. نتایج پژوهش با این فرض بنیادین کاملاً هماهنگ و هم راستاست. بدیهی است که این امر به معنای غفلت از تأثیر محتوایی رسانه‌ها و در اینجا محتوای شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه می‌توان این‌طور استدلال کرد که اگر شکل و فرم ظاهری فناوری‌ها بتواند حامل پیام‌ها و ارزش‌هایی برای مخاطب باشد، محتوا به طریق اولی می‌تواند تأثیرگذاری بیشتر و عمیق‌تری داشته باشد.

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که کاربرد افراطی رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به "وابستگی" یا کاربرد اعتیادگونه آنها (راک^۸ و بوندس^۹، ۲۰۰۸، به نقل از والنزوئلا، هالپرن و کتز، ۲۰۱۴) و حتی بروز اختلالات روانی، اجتماعی یا مشکلاتی در مدرسه، محل کار و در زندگی فردی منجر می‌شود (کاس^{۱۰} و گریفیتس^{۱۱}، ۲۰۱۱، به نقل از همان). برخی از این اختلالات و ویژگی‌های اجتماعی می‌توانند بسیار مشکل‌زا باشند. بر اساس برخی پژوهش‌های انجام شده توسط تارنمای سیک فیس‌بوک^{۱۲} که یک وبلاگ ضد فیس‌بوک است، بیش از ۳۵۰ میلیون کاربر از اختلال اعتیاد به فیس‌بوک (افای دی^{۱۳}) رنج می‌برند (لی، چئونگ و تادانی، ۲۰۱۲؛ به نقل از همان).

تا آنجا که این آسیب‌ها و اختلالات به خانواده و روابط زوجین مربوط است، این شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در عمل به عنوان یک شبکه ضد اجتماعی عمل کنند؛ بدین معنا که با جای‌گزینی شبکه‌های مجازی، شبکه خانواده را به عنوان یک شبکه اصیل به چالش کشیده و تهدید می‌کنند. استفاده مداوم از شبکه‌های اجتماعی، باعث می‌شود که ارتباطات چهره به چهره و تعاملات عمیق انسانی در درون خانواده، کاهش یابد و در عوض ارتباطات مجازی گسترده، ولی کم‌عمق جای‌گزین آن شود.

¹ Kroker

² Postman

³ Deleuze, Gilles

⁴ Guattari, Felix

⁵ Massumi, Brian

⁶ Chandler

⁷ Woolgar

⁸ Raacke

⁹ Bonds

¹⁰ Kuss

¹¹ Griffiths

¹² Sickfacebook.com

¹³ Facebook Addiction Disorder

به‌طور ویژه، نتایج پژوهش حاضر در مورد کیفیت روابط همسران، تأییدکننده یافته‌های تحقیقات متعددی است که در نقاط مختلف دنیا از جمله آمریکا به انجام رسیده است. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بایم و همکاران (۲۰۰۷)، ویتی، کیوگلی (۲۰۰۸)، شارلوسکا (۲۰۱۲)، روجویی (۲۰۱۲)، فاروجیا (۲۰۱۳)، بلو (۲۰۱۳)، کلایتون، ناگارونی و اسمیت (۲۰۱۳)، لهارت، دوگان و اسمیت (۲۰۱۴)، کلایتون (۲۰۱۴)، والنزولا، هالپرن و کتز (۲۰۱۴)، دیو و تولان (۲۰۱۵)، صالح و مختار (۲۰۱۵) و صداقت و عبداللهی (۲۰۱۵). نتایج این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی چگونه می‌توانند کیفیت زندگی، کیفیت رابطه، ناسازگاری و تعارض بین زوجین را تحت تأثیر قرار دهند و زمینه طلاق عاطفی و قانونی را فراهم آورند.

با وجود مبانی نظری که از اثرگذاری فناوری‌ها و رسانه‌ها پشتیبانی می‌کنند، بر اساس نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌هایی از این دست، دقیقاً نمی‌توان مشخص کرد که آیا این شبکه‌های مجازی هستند که بر تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق تأثیر گذاشته و آن را افزایش داده‌اند یا اینکه زوجینی که از قبل دچار چنین مشکلاتی بوده‌اند، به سوی این شبکه‌ها گرایش پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، ممکن است بتوان اینگونه استدلال کرد که اگر به هر دلیل کیفیت روابط بین زوجین نامطلوب باشد و یا گرایش به جدایی و طلاق در آنها بالا باشد، آنها شبکه‌های اجتماعی را به عنوان یک جایگزین و محل فرار، انتخاب می‌کنند و به‌جای همسر به دنبال ایجاد روابط بهتر با دوستان و آشنایان بر می‌آیند. اگر اینگونه باشد، استفاده از شبکه‌ها چه پیامدی را به دنبال خواهد داشت؟ در چنین وضعیتی، آیا شبکه‌ها به کاهش و حل تعارضات زناشویی و همچنین به کمرنگ‌تر شدن گرایش به طلاق کمک می‌کنند؟ بر اساس یافته‌های پژوهشی، پاسخ قطعاً منفی است.

یافته‌های پژوهشی حاکی از این است که در موارد متعدد ارتباط‌هایی که در شبکه‌های مجازی شکل می‌گیرد عقیقانه نبوده و همراه با خیانت‌های عاطفی و واقعی است (کلایتون، ۲۰۱۴؛ والنزولا، هالپرن و کتز، ۲۰۱۴؛ صالح و مختار، ۲۰۱۵). روابطی که از طریق شبکه‌ها شکل می‌گیرد و اهداف و محتوایی که دنبال می‌شود نه تنها بستری برای حل مشکلات زوجین فراهم نمی‌آورد، بلکه می‌تواند به تشدید آن کمک کند. به عبارت دیگر، می‌توان چرخه تقویت دوجانبه بین تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق، از یک سو و اعتیاد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی، از سوی دیگر را متصور شد؛ بدین معنا که در خوشبینانه‌ترین حالت، اگر معتقد باشیم که بذر اختلاف و اختلال در کیفیت روابط زوجین را معمولاً شبکه‌های اجتماعی نمی‌پاشند - که در موارد متعدد می‌پاشند - با اطمینان می‌توان گفت که شبکه‌ها در رشد این بذر نقش بسزایی دارند.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

- ۱) تلاش نهادهای مسئول در جهت افزایش سواد رسانه‌ای و آگاه‌سازی زوجین از آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی شبکه‌های اجتماعی که یکی از بسترهای مناسب تحقق این امر، می‌تواند دو واحد درس عمومی دانش خانواده در دوره کارشناسی باشد.
- ۲) تلاش نهادهای تربیتی جهت ارتقای تقوای حضور در کنار تقوای پرهیز و گریز، چرا که فناوری جدید مفاهیم دور/نزدیک و مجاز/ممنوع را به هم ریخته است (باقری، ۱۳۸۸) به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان به واسطه تربیت قرنطینه‌ای و همچنین با تقوای پرهیز و گریز جوانان را از محیط‌های آلوده دور داشت. سالم‌سازی فضای مجازی از طریق فیلتر کردن، اگرچه یکی از راهکارهاست (تقوای پرهیز)، اما به هیچ وجه کافی نیست.
- ۳) داشتن حساب کاربری مشترک (بوک^۱، ۲۰۱۳) و استفاده همراهمانه از این فناوری (همانند تماشای تلویزیون) تلویزیون بدون پنهان‌کاری و خصوصی‌کاری.
- ۴) عدم استفاده یا حداقل استفاده از شبکه‌های اجتماعی در شرایطی که معنای ضمنی آن عدم توجه به حضور همسر است.
- ۵) رعایت رفتار عقیفانه در فضای مجازی و حفظ فاصله عاطفی با مردان و زنان غیرمحرّم.

¹ Buck

منابع

- اسکندری، حسین و کاظم، کاظمی. (۱۳۹۳). "بررسی جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان و عوامل مؤثر بر آن". فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۲۲، ص. ۸۱-۹۸.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. چاپ بیستم، تهران: انتشارات مدرسه
- تقی‌زاده، عباس. (۱۳۹۱). ارتقای سواد رسانه‌ای زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی نوپدید فضای مجازی". *نخستین کنگره ملی فضای مجازی و آسیب‌های اجتماعی نوپدید*. تهران: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- ثنایی، باقر. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات بعثت
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۵). *وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی: پژوهشی در مورد چند فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات*. تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- داودی، زهرا؛ اعتمادی، عذرا و بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۰). "رویکرد کوتاه مدت راه حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق". فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم، شماره ۴۳، ص ۱۲۱-۱۳۴.
- سورین، ورنر، جیمز تانکارد. (۱۳۸۸). *نظریه‌های ارتباطات*. علیرضا دهقان. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- Andreassen, C.,S. (2012). **"Development of a Facebook Addiction Scale"**. Psychological reports, 2012, 110, 501-517.
- Baym, N. K. , Zhang, Y. B. , Kunkel, A. , Ledbetter, A. , & Lin, M. C. (2007). **"Relational quality and media use in interpersonal relationships"**. New Media and Society, 9, 735-752.
- Bellou, A. (2013). **"The Impact of Internet Diffusion on Marriage Rates: Evidence from the Broadband Market"**. The Institute for the Study of Labor (IZA), Discussion Paper, No. 7316.
- Buck S. (2013). **When Facebook official isn't enough**. Mashable. com.

- Chandler, D. (1996). **"Engagement with media: Shaping and being shaped"**. Computer-Mediated Communication Magazine. Retrieved September 27, 2007 from: <http://users.aber.ac.uk>.
- Clayton . R. B. , Nagurney A, & Smith J. (2013). **"Cheating, breakup, and divorce: is Facebook use to blame?"**. *Cyberpsychology, Behavior, & Social Networking*, 16:717–720.
- Clayton, R.B. (2014). **"The Third Wheel: The Impact of Twitter Use on Relationship Infidelity and Divorce"**. *Cyber psychology, Behavior, And Social Networking*. Volume 17, Number 7.
- Deleuze, G., Guattari, F., Massumi, B. (1987). **A Thousand Plateaus: Capitalism and Schizophrenia**. University of Minnesota Press.
- Dew, J., & Tulane, S. (2015). **The Association Between Time Spent Using Entertainment Media and Marital Quality in a Contemporary Dyadic National Sample**. *J Fam Econ Iss*, 36:621–632.
- Farrugia, R. C. (2013). **"Facebook and Relationships: A Study of How Social Media Use is Affecting Long-Term Relationships"**. (M. S Thesis), Rochester Institute of Technology, College of Liberal Arts.
- Joinson AN. (2008) **"“Looking at,” “looking up” or “keeping up with” people? Motives and uses of Facebook"**. *In: Proceedings of the 26th Annual SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems* (Florence, Italy, April 5–10,2008), CHI'08. New York: ACM Press, pp. 1027–1036.
- Kroker, A. (1992). **The Possessed Individual: Technology and New French Theory**. Palgrave Macmillan.
- Lanhart, A., Duggan, M. , & Smith, A. (2014). **Couples, the internet, and Social Media: How American couples use digital technology to manage life, logistics, and emotional intimacy within their relationships**. Pew Research Center, Available at: <http://pewinternet.org/Reports/2014/Couples-and-the-internet.aspx>.
- McLuhan, M. (1967). **The medium is the message: An inventory of effects**. Corte Madera, CA: Gingko Press.
- McLuhan, M. (1964). **Understanding Media**. Routledge, London.
- Papp LM, Danielewicz J, Cayemberg C. (2012). **"“Are we Facebook official?” Implications of dating partners’ Facebook use and profiles for intimate relationship satisfaction"**. *Cyberpsychology, Behavior, & Social Networking* 2012;15:85–90.
- Postman, N. (1993). **Technopoly: The surrender of culture to technology**. New York: Vintage Books.
- Rusbult, C. johansonson, D. & Morrow, G. (1986). **"Determinants and consequences of exit, voice, loyalty, and neglect: Responses to**

- dissatisfaction in adult romantic involvements".** Human Relations. 39(1), 45-63 **dia and Divorce Case Study of Dutse L. G. A. JigawaState".** IOSR Journal of Humanities And Social Science (IOSR-JHSS). Volume 20, Issue 5, Ver. II, PP 54-59.
- Sedaghat, N. & Abdullahi, I. (2015). **"The impact of media and social networking on the divorce in Bushehr city during the years of 2011 till 2014"**. Journal UMP Social Sciences and Technology Management. 3,3 P. 642-647.
 - Sharalevska, I. (2012). **"Family and marital satisfaction and the use of social network technologies"**. (PhD Thesis) university of Illinois at Urbana-Champaign.
 - Siemens, G., Tittenberger, P. (2009). **Handbook of Emerging Technologies for Learning.** University of Manitoba.
 - Utz S. & Beukeboom C. J. (2011). **"The role of social network sites in romantic relationships: effects on jealousy and relationship happiness"**. Journal of Computer-Mediated Communication 2011; 16:511–527.
 - Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J. E. (2014). **"Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey & state-level evidence from the United States"**. Computers in Human Behavior. 36 (2014) 94–101.
 - Whitty, M. T. & Quigley, L. (2008). **"Emotional and sexual infidelity offline and in cyberspace"**. Journal of Marital and Family Therapy. 34(4), 461-468.
 - Woolgar, S. (1996). **Technologies as cultural artifacts.** *In: Dutton, W H, (ed.) Information and Communication Technologies: Visions and Realities.* Oxford University Press, Oxford.
 -
 - Rujoiu, M. (2012). **"The influence of social network on attitude toward conflict in couple"**. (PhD Thesis) Babeş-Bolyai University.
 - Saleh, M. and Mukhtar, J. I. (2015). **"Social Me**

A Study on Relationship between the Social Networks Usage and Social Networks Addiction and Couple Conflicts and Divorce Tendency

Hossein Eskandari

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, University of Bojnourd, Bojnourd, Iran

Hamid Darrodi

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, University of Bojnourd, Bojnourd, Iran

Received:4 Jul. 2016

Accepted:26 Jul. 2016

This descriptive-survey research examined relationship between the hour rate of social networks usage and social networks addiction, in one hand and couple conflicts and divorce tendency, in other hand. Statistical population was all of young couple between 18-29 years old. 422 men and women were selected as a sample size through convenience sampling method. For this reason, three questionnaires were used: Bergen Facebook Addiction Scale that was corrected and used for all social networks, marital conflicts and divorce prone. Data were analyzed by SPSS 19. Findings showed there were a positive significant relations between social network usage and addiction in one hand and couples' conflicts and divorce prone, in other hand. This positive relation repeated in all component of marital conflict, such as reduction of cooperation, reduction of sex, reduction of relation with husband's family, increasing of relation with own family, and reduction of effective relationship between couples. Findings showed that addiction to social networks significantly reduced the quality of marital life. According to these findings, it seems that Ministry of Sport and Youth should plan to promote the media literacy among target society to reduce undesirable effect of social networks.

Keywords: Social Networks, Virtual Space, Divorce Prone and Marital Conflict